

The Role of Moral and Social Security Components in the Incidence of Violent Crimes

M. A. Abdollah¹, S. Jafarzadeh Ph.D.^{2}, R. Nikkhah Ph.D.²*

1. Ph.D. Student in Criminal Justice and Criminology, Urmia University, Urmia, Iran.
2. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Iran.

Abstract

Background: Crime is a phenomenon that has existed and continues to exist in all past and present societies. However, being permanent and general does not mean that crime is the same and uniform among them, but it differs from one society to another, from one region to another, and from time to time. The aim of the present study is to show the role of moral and social security components in the incidence of violent crimes.

Conclusion: The sharply rising trend in violent crime rates on the one hand and the failure of reform and treatment policies on the other hand over the past few decades have led to the basis of reform and treatment measures in dealing with criminals who have violent thoughts and behaviors being severely criticized. The results of the present study showed that moral and social security components play a role in the occurrence of violent crimes. According to research, people with low levels of empathy, shame, and guilt are clearly more likely to commit crimes, which disrupts social security in a wide range. It seems that focusing on rationally confronting violent crimes and trying to prevent their occurrence will have greater benefits in establishing social security and peace, both morally and socially.

Keywords: *Social indicators, Moral indicators, Violent crime*

***Corresponding Author:** Jafarzadeh S. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Iran. Email: s.jafarzadeh@urmia.ac.ir

How to cite: Abdullah MA, Jafarzadeh S, Nikkhah R. The role of moral and social security components in the incidence of violent crimes. *Ethics in Science and Technology*. 2026;21(2): 9-15.



Copyright © 2026 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

نقش مولفه های اخلاقی و امنیت اجتماعی در بروز جرایم خشونت آمیز

محمد عبدالرحمن عبدالله^۱، دکتر سیامک جعفرزاده^{۲*}، دکتر رضا نیکخواه^۲

۱. دانشجوی دکترای جزا و جرم شناسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳)

چکیده

زمینه: جرم پدیده ای است که در تمام جوامع گذشته و کنونی وجود داشته و دارد با این وجود، دایمی و عمومی بودن به معنی یکسان و یک شکل بودن جرم در بین آنها نیست بلکه از جامعه ای به جامعه ای دیگر و از منطقه ای به منطقه ای دیگر و از زمانی به زمان دیگر تفاوت می-کند. هدف از پژوهش حاضر، نشان دادن نقش مولفه های اخلاقی و امنیت اجتماعی در بروز جرایم خشونت آمیز می باشد.

نتیجه گیری: روند به شدت صعودی نرخ جرایم خشونت آمیز از یک طرف و شکست سیاست های اصلاح و درمان از طرف دیگر در طول چند دهه گذشته سبب گردید که اساس تدابیر اصلاح و درمان در مقابله با بزهکاری که افکار و رفتارهای خشونت آمیز دارند به شدت مورد انتقاد قرار گیرد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که مولفه های اخلاقی و امنیت اجتماعی در بروز جرایم خشونت آمیز نقش دارند. بر اساس تحقیقات افرادی که از سطح پایین همدلی، شرم و گناه برخوردارند، به طور واضح بیشتر احتمال دارد مرتکب جرم شوند و همین امر در گستره وسیع امنیت اجتماعی را مختل می سازد. به نظر می رسد که تمرکز بر مواجهه عقلانی با جرایم خشونت بار و تلاش در جهت پیشگیری از وقوع آن، هم به لحاظ اخلاقی و هم از جنبه اجتماعی فواید بیشتری را در استقرار امنیت و آرامش اجتماعی به دنبال دارد.

کلید واژگان: شاخص های اجتماعی، شاخص های اخلاقی، جرم خشونت آمیز.

سرآغاز

اتخاذ هرگونه سیاست جنایی عادلانه و کارا در قبال جرائم خشونت آمیز در گرو شناخت؛ علل پدیدآورنده جرم؛ تنوعاتی که یک جرم دارد و انواع مرتکبین آن است.

جرایم خشونت آمیز عوامل و زمینه سازهای متفاوتی دارند که یکی از مهم ترین آنها مولفه های اخلاقی^۴ و اجتماعی^۵ است. بسیاری از تلاش های ضد جرم، پرهزینه و ناموفق در کاهش جرم شناخته شده اند و رویکردهای جدید و تازه ای مورد نیاز است چرا که مولفه های اجتماعی و اخلاق مدت هاست که در درک ما از پیشگیری از جرم نادیده گرفته شده اند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مولفه های اخلاقی و امنیت اجتماعی^۶ در بروز جرایم خشونت آمیز شکل گرفت.

بحث

مفهوم جرائم خشونت آمیز

هر جا قانون وجود دارد جرم نیز هست. از این دیدگاه ساده ترین تعریف جرم عبارت است از «هر شیوه رفتاری که قانون را نقض کند.» (۱ و ۲).

خشونت^۱ به عنوان یکی از رایج ترین و مهم ترین انحرافات اجتماعی^۲، در شاخه های گوناگون علمی مورد پژوهش و تحقیق و تبیین قرار گرفته است. گسترش دعوای فردی و گروهی، موجب برهم زدن نظم اجتماعی شده، و مجازات های مقرر برای جلوگیری از چنین جرایمی در کشور، حاکی از اهمیت موضوع برای قانون گذاران و مجریان قانون است. بنابراین توجه به پدیده خشونت مسئولان، حافظ امنیت، سلامت و آرامش جامعه هستند. مسئولان ذی ربط، به خوبی آگاهند که اقدامات و تمهیدات سخت افزاری، همانند تدوین و اجرای قوانین کیفری، هرچند برای مجازات مجرمان، و پیشگیری از چنین جرایمی بسیار لازم است، اما هرگز کافی نیست.

خشونت مفهومی وسیع و دارای معانی گوناگونی است و هر جامعه طیفی از خشونت های خاص و پذیرفتنی را در درون خود مشخص کرده و حساسیت خود را متوجه انواع دیگر این پدیده می سازد. جرایم خشن^۳ که شامل قتل، تجاوز جنسی، سرقت و تهاجم است، مستلزم رویارویی جنایتکاران و قربانیان می باشد اینگونه جرائم معمولاً غیر قابل پیشبینی و غیرقابل تجسم می باشند.

خشونت، قتل نفس خطرناکترین و خوفناکترین و در عین حال کمیاب ترین نوع خشونت در جوامع است، آدم کشی در هر حال و به هر شکل جدیترین نوع جرم و خشونت است؛ زیرا آسیب وارده از آن بر قربانی به هیچ روی قابل جبران نیست و برای نزدیکان و دوستان او نیز بسیار سنگین و کمر شکن است. حال با این توضیحات می توان به تعریف جرم خشن پردازیم (۵). در تعریف جرم خشن اظهار نظرات عدیده ی وجود دارد، عده ای بر این باورند که مواردی چون قتل یا سرقت مسلحانه مصادیق عمده جرم های خشن هستند و عده ای دیگر معتقدند که تمامی جرائم جنسی را باید در زمره جرم های خشن محسوب نمود. هنگامی که جرائم خشن را از دیدگاه مردم مورد سؤال قرار می دهیم، قتل در رتبه اول قرار می گیرد و نوعی توافق عمومی درباره ی آن وجود دارد؛ اما به این موضوع باید توجه نمود که تفاوت بین قتل و حمله فقط در میزان مداخله و پاد میانی عابرین، دقت تیراندازی، وزن تابه یا سرعت رسیدن آمبولانس بوده است، لذا جرائم خشن در کنار قتل شامل تمامی مواردی می شوند که منجر به ضرب و جرح و آسیب های فیزیکی شده اند. اما در مواردی ممکن است به محض آنکه آسیبی فیزیکی به فرد وارد شود، او مورد تهاجم روحی و روانی قرار گیرد به طوری که برخی از این آسیب ها حتی پس از گذشت سال ها قابل جبران نباشد. به عنوان مثال آدم ربایی از جمله این جرائم است و این پدیده به شدت وابسته به شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع است. در مورد انواع خشونت، یکی از حقوقدانان چهار نوع خشونت را بر می شمارد که عبارت است از: ۱- خشونت بدنی ۲- خشونت روانی مانند تحقیر و دشنام؛ ۳- خشونت اقتصادی؛ ۴- خشونت اجتماعی (۶). گاه خشونت وسیله ی وصول هدف خاصی است که مرتکب یا مرتکبین آن را به منظور خاص و جهت نیل به هدف معین مورد استفاده قرار می دهند. اما گاهی هم خشونت بدون هیچ گونه هدف خاص واقع می شود که فقط رضایت بی حاصل مرتکب خود را فراهم می کند. گاه خشونت به صورت عمل حاد و آنی و بدون هیچ گونه نقشه قبلی اتفاق می افتد و گاه برعکس به صورت اعمال حساب شده و با طرح و نقشه های قبلی تحقق می یابد. (۷). علاوه بر آنچه ذکر شد، تقسیم بندی های دیگری نیز وجود دارد، به عنوان مثال خشونت را می توان به دو قسم «مذموم و غیرقانونی» و «قابل قبول و قانونی» تقسیم کرد. از سوی دیگر خشونت گاه فردی است و گاه به صورت جمعی بروز می کند.

نقش مولفه های اخلاقی در بروز جرایم خشونت آمیز

در تاریخ جهانی جرایم خشونت آمیز از دیرباز وجود داشته است. در این راستا تلاش های پیشگیری از جرم گسترده و متعدد بوده اند، اما به طور سنتی در دستیابی به اهداف خود شکست خورده اند. این تلاش ها در بسیاری موارد به دلیل بی توجهی به زمینه اخلاقی و فرهنگی مورد انتقاد قرار گرفته اند.

این مفهوم که اخلاق نقش محوری در جرم ایفا می کند، توسط بسیاری از محققان برجسته مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه در دهه گذشته، محققان خواستار آزمایش نظریه های جرم شناسی در زمینه ها و

جرم یک پدیده جهانی و اجتماعی است و تحت عناوینی چون سرپیچی، سرکشی، رفتار ناشایسته با و ناپسند با خلقت بشر آغاز شده است. جرم در حالت انزوا و انفرادی معنی و مفهومی ندارد و در زمان و مکان متغیر است. آنچه را در یک دوران در بین برخی ملت ها جرم محسوب می شده یا می شود، احتمالاً در دوران یا مکان دیگر به عنوان جرم نمی شناسند. لذا هرگونه جرائمی که با هدف وارد نمودن آسیب به یک یا بیش از یک پدیده صورت گیرد جرائم خشونت آمیز نام می گیرد (۳). «خشونت رفتاری»^۲ است که برای آسیب رساندن به دیگری از کسی سر میزند و دامنه آن از تحقیر و توهین، تجاوز، ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی طرف مقابل و قتل او گسترده است. (۴). بنابراین می توان گفت رفتار خشن طیف وسیعی را در بر می گیرد که در یک سوی آن می تواند تحقیر یا توهین به افراد دیگر و در انتهای دیگر آن قتل و کشتن طرف مقابل باشد. واژه جرم^۳ نیز تعریف نزدیکی با برخی از واژه ها مانند کجروی و بزهکاری دارد؛ اما در واقع هر یک از این واژه ها تعاریف خاص خود را دارند. به نظر برخی از جامعه شناسان کجروی، «کاربرد مترادف دو واژه جرم و کجروی را در جوامعی می توان مشاهده کرد که در آنها قوانین مکتوب و مدون وجود ندارد». در برخی از جوامع کاربرد واژه جرم معمولاً به مواردی محدود می شود که قانون و هنجارهای رسمی و مکتوب جامعه آن را منع کرده است و ارتکاب آن این نوع هنجار را نقض می کند. (۸) گاه نیز تفاوت میان گستره این دو واژه با تعبیری از این دست بیان می شود که هر چند بعضی از انواع کجروی را جرم تلقی می کنند، اما همه جرائم کجروی محسوب نمی شوند. عبور نکردن از خط کشی عابر پیاده در خیابان ها جرمی است که توسط افرادی بی شمار به وقوع می پیوندد. به عبارت دیگر برخی از جرائم (مانند جرائم رانندگی) در اذهان عمومی از قبح چندانی برخوردار نیست و البته باید به تفاوت های بزرگ فرهنگی در این موارد اشاره نمود به طوری که تخلفی بی اهمیت در یک جامعه در جامعه ای دیگر بسیار مهم و حائز اهمیت تلقی می گردد.

واژه بزه^۴ را نیز در مواردی به عنوان اقدامات مخالف با قانون و همسان با واژه جرم دانسته اند؛ اما منظور از بزه معمولاً رفتارهای مخالف با قوانین از سوی افرادی است که به سن رشد قانونی نرسیده اند و به همین دلیل جامعه سوء نیتی را که در رفتار مجرمانه افراد بزرگسال مشاهده نمی کند و این دسته قانون شکنان را همانند افراد بزرگسال قابل تعقیب کیفری نمی داند. باید توجه داشت که اگرچه قشرهای فقیرتر جامعه قسمت اعظم جرائم را مرتکب می شوند؛ اما فعالیت های تبهکارانه محدود به این قشرها نیست. بسیاری از افراد ثروتمند و قدرتمند مرتکب جرائمی می شوند که نتایج آنها تأثیرات سوء بیشتری بر جامعه دارد. نکته ی دیگر اینکه بین انواع جرائم نوعی ارتباط وجود دارد. همان طور که «انواع خشونت ها ارتباطی بسیار نزدیک با یکدیگر دارند به طوری که نمی توان خشونت های فرهنگی^{۱۰}، اقتصادی^{۱۱}، قانونی و سیاسی^{۱۲} را از یکدیگر جدا کرد و به تنهایی مورد مطالعه قرار داد. در جامعه ما نوعی خشونت سیستماتیک^{۱۳} رواج دارد و بدیهی است که قربانیان اصلی این خشونت ها عمدتاً زنان و کودکانند.» اما در بین انواع

جمعیت‌های مختلف شده‌اند. شواهد گسترده نشان می‌دهد که کسانی که جرم را عملی اخلاقاً قابل قبول می‌دانند و در هنگام تفکر در مورد چنین رفتاری احساسات اخلاقی منفی (شرم، گناه، همدلی) را تجربه نمی‌کنند، از نظر آماری به طور قابل توجهی بیشتر احتمال دارد مرتکب جرم شوند. شواهد زیادی وجود دارد که از این مفهوم حمایت می‌کند که اخلاق فردی، که در آن افراد احساس نمی‌کنند ارتکاب اعمال مختلف قانون‌شکنی و جرم اشتباه است، با مشارکت بیشتر در رفتارهای ضداجتماعی و مجرمانه مرتبط است.

احساس گناه به عنوان یک احساس منفی تعریف می‌شود که اغلب در نتیجه یک عمل تجربه می‌شود و به صورت درونی نسبت به خود فرد احساس می‌شود (۸). احساس گناه را می‌توان با تأمل در مورد یک عمل پیش‌بینی کرد و در یک طیف اندازه‌گیری کرد؛ احساس گناه قوی نشان می‌دهد که فرد به نقض احتمالی یک قانون اخلاقی^{۱۵} بسیار اهمیت می‌دهد، در حالی که احساس گناه ضعیف نشان می‌دهد که فرد به نقض احتمالی یک قانون اخلاقی اهمیت زیادی نمی‌دهد. شرم پیش‌بینی شده به عنوان یک احساس منفی تعریف می‌شود که لزوماً در نتیجه یک عمل تجربه نمی‌شود و در حضور یا در نظر گرفتن دیگران احساس می‌شود (۸). شرم پیش‌بینی شده را نیز می‌توان در یک طیف اندازه‌گیری کرد؛ شرم قوی نشان دهنده این درک است که دیگران به نقض احتمالی یک قانون اخلاقی بسیار اهمیت می‌دهند، در حالی که شرم ضعیف نشان دهنده این درک است که دیگران به نقض احتمالی یک قانون اخلاقی اهمیت زیادی نمی‌دهند.

فرض بر این است که توانایی قوی در ابراز همدلی، احتمال احساس شرم و گناه را در طول فرآیند تصمیم‌گیری برای جرم افزایش می‌دهد. برعکس، اگر فردی توانایی ضعیفی در ابراز همدلی داشته باشد، فرض بر این است که این امر احتمال احساس شرم و گناه را در طول فرآیند تصمیم‌گیری برای جرم کاهش می‌دهد (۹). هرچه قوانین اخلاقی، شرم، گناه و همدلی قوی‌تر باشند، احتمال کمتری وجود دارد که افراد درگیر فساد، سرقت و خشونت شوند. نتایج مطالعات نشان می‌دهند که اخلاق فردی ضعیف با سطوح بالاتر جرم گزارش شده توسط خود افراد، که با موارد فساد، سرقت و خشونت اندازه‌گیری می‌شود، مرتبط است. بنابراین نیاز است اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم تمرکز بر تقویت اخلاق برای کاهش جرم را مد نظر قرار دهند.

بنابر آنچه گفته شد اخلاق به روش‌های مختلفی تعریف شده است و یک دیدگاه شامل شرم، گناه و همدلی به عنوان اجزای مهم دیدگاه اخلاقی است (۱۰). سه نظریه جرم‌شناسی وجود دارد که تا حدی نقش عاطفه یا هیجان اخلاقی را در توضیحات خود از جرم لحاظ می‌کنند؛ نظریه فشار آگنو (۲۰۱۴)؛ نظریه شرمساری بازپذیرکننده، برایت وایت (۱۹۸۹)؛ و نظریه خرده‌فرهنگی کوهن (۱۹۵۵).

نظریه فشار (۱۱) استدلال می‌کند که جرم، پاسخ محتمل‌تری به فشار است، زمانی که عاطفه منفی مانند خشم و ناامیدی تجربه می‌شود. مشخص نیست که این اتفاق با چه مکانیسمی رخ می‌دهد، چگونه تفاوت‌های فردی را در پاسخ به همان فشارها در نظر بگیریم، تمرکز

عمدتاً بر احساسات غیراخلاقی است و توضیحی در مورد چگونگی ارتباط همدلی با جرم ارائه نشده است.

دوم، نظریه شرمساری بازپذیرکننده (۱۲) معتقد است که تشویق مجرمان به شناسایی احساسات، به ویژه شرم، آنها را از تکرار جرم باز می‌دارد. اگرچه این نظریه اهمیت احساس گناه در جرم را تصدیق می‌کند، اما مکانیسم‌ها را شرح نمی‌دهد و نقش همدلی را نادیده می‌گیرد. علاوه بر این، این نظریه به طور حاشیه‌ای شروع به گنجاندن وجود رابطه بین شرم و اخلاق می‌کند، اما این موضوع توسعه نیافته است و این رویکرد عمدتاً بر تصمیم‌گیری پس از جرم متمرکز است تا تصمیم‌گیری قبل از جرم.

سومین نظریه‌ای که تلاش می‌کند نقش احساسات را در چارچوب خود بگنجاند، نظریه خرده‌فرهنگ جرم (۱۳) است که معتقد است اکثر جرایم خشونت‌آمیز، رویدادهایی با بار احساسی هستند که توسط گروه‌های خرده‌فرهنگ انجام می‌شوند، برخلاف اعمالی که با عقل و تفکر منطقی انجام می‌شوند. با این حال، کوهن به جای تمرکز بر افراد و احساسات اخلاقی آنها در رابطه با اعمال اخلاقی، بر پویایی گروه مجرم، یعنی خرده‌فرهنگ، تمرکز می‌کند.

بر این اساس می‌توان یک چارچوب ارائه کرد که به دنبال توضیح چگونگی و چرایی نقش اخلاق ضعیف در رفتار قانون‌شکنانه است. در این چهارچوب اخلاق یکی از عوامل اصلی توضیحی در وقوع جرم است و بیان می‌کند افرادی که فکر نمی‌کنند قانون‌شکنی اشتباه است و در انتظار چنین قانون‌شکنی احساس شرم و گناه نمی‌کنند، از نظر آماری به طور قابل توجهی بیشتر احتمال دارد که در جرم مشارکت کنند، به ویژه هنگامی که خود را در محیط‌ها یا محیط‌های جرم‌خیز (مانند دوستان یا همکارانی که در جرم شرکت می‌کنند) می‌یابند.

نقش امنیت اجتماعی در بروز جرایم خشونت آمیز

در جوامع با سطوح بالای خشونت و جرم و جنایت، مانند آفریقای جنوبی، مردم نسبت به هر چیزی که موجب امنیت آن‌ها شود سرمایه‌گذاری می‌کنند، از میله‌های سرقت و دکه وحشت گرفته تا دیوارهای بتنی و نرده‌های برقی. دولت‌ها تمایل دارند رویکرد سخت‌گیرانه‌ای را در پیش بگیرند، پلیس بیشتری را در خیابان‌ها مستقر کنند و مجازات سختی را برای مجرمان در نظر گیرند. با این حال، سخت‌گیری کردن نسبت به خشونت و وقوع جرم فقط نشانه‌های آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تمرکز بر امنیت به تنهایی، دلایل بروز خشونت را نشان نمی‌دهد.

در عوض، نیاز است که تأکید خود را از امنیت به ایمنی تغییر دهیم. امنیت به معنای حفاظت در برابر یک تهدید شناخته شده یا حس شده است، در حالی که ایمنی به معنی زندگی بدون تهدید یا ترس می‌باشد. برای ایجاد یک جامعه که در آن همه حس امن بودن را داشته باشند، نیاز است تا ایمنی به عنوان یک حق انسانی و کالای عمومی که نیازمند محافظت است، شناخته شود. راه رسیدن به این هدف، از طریق

اخلاق به نبود بعد رفتار مشارکت‌گرایانه شهروندان بر می‌گردد به این معنی که شهروندان جامعه احساس تعهد و مسئولیت به آنچه هویت آنها را تهدید می‌کند، نداشته و در بهترین حالت آن را تنها به دولت واگذار کنند، بر این اساس، عدم تعهد اعضا و کناره‌گیری از نقش فعال به منظور حفظ رسوم، آداب و پاسداشت از هویت نیز می‌تواند به عنوان آسیب امنیت اجتماعی از منظر اخلاق تلقی شود. (۱۴)

تدابیر جنایی کنترل جرایم خشونت آمیز

شواهد و مدارک محققان نشان می‌دهد که موفق‌ترین تدابیر جنایی مرتبط با جرایم خشونت آمیز، پاسخ‌هایی هستند که متناسب با شرایط خاص (محیطی-اجتماعی) طراحی شده‌اند و به شرح زیر هستند: ارتقای ایمنی و امنیت شهری از طریق حاکمیت طراحی و برنامه‌ریزی مؤثر شهری (۱۵) رویکردهای جامعه محور برای ارتقای ایمنی و امنیت شهری، تقویت سیستم‌های عدالت رسمی کیفری و پلیسی، کاهش عوامل خطر، حل و فصل بدون خشونت درگیری‌ها، تقویت سرمایه اجتماعی (۱۶) با این حال، در خصوص مقابله با جرایم خشن، رویکردها، راهبردها و روش‌های فراوانی وجود دارد. برخی راهبردهای پیشگیری و مقابله با جرایم، به ویژه خشن، طی سال‌های گذشته به قرار زیر بوده است (۱۷) واپایش جرایم (گشت‌های پیشگیرانه، واکنش‌های سریع و تحقیقات کارآگاهی که سه مؤلفه کلیدی هستند)؛ بهبود روابط پلیس و اجتماع (اصلاح نحوه برخورد پلیس با عموم مردم و چگونگی درک پلیس از نظر آنها، از لحاظ کاربردی، اگر مرد به پلیس احترام نگذارند و به آنها اعتماد نکنند شغل پلیسی، سخت‌تر و خطرناک‌تر می‌شود)؛ اجرای شدید قانون و سختگیری‌ها یا همان تسامح صفر؛ مبارزه با جرم؛ پلیس مسئله محور؛ پلیس گروه محور و کارگروهي. در واقع، ایده مبنایی این است که سازمان پلیس بایستی آن دسته از روال‌های کاری را اتخاذ کند که قوی‌ترین شواهد کارآمدی را در بردارند (۱۸). همانگونه که مشاهده می‌شود در این تدابیر همچنان توجه به مولفه‌های اخلاقی مقفول مانده است.

نتیجه‌گیری

جرائم خشونت آمیز به رفتارهای پرخاشگرانه‌ای اطلاق می‌شود که در قوانین جزایی دارای مجازات می‌باشند. از تعریف فوق چنین بر می‌آید که یکی از مهمترین شروط تحقق جرائم خشونت آمیز، «پرخاشگرانه بودن رفتار ارتكابی» است. به همین منظور ارائه‌ی تعریفی دقیق از واژه‌ی پرخاشگری ضروری به نظر می‌رسد. هرچند تا به امروز تعریف همه‌پسندی از پرخاشگری ارائه نشده است، اما یکی از معروفترین تعریف‌های موجود عبارتند از: ایجاد ناراحتی‌های روانشناختی و یا وارد کردن صدمات جسمانی به دیگری که با قصد قبلی همراه است. بر مبنای تعریف فوق، در مورد رفتارهای پرخاشگرانه توجه به دو نکته حائز اهمیت است. جرم اگر چه در کلیت خود جامعه را متضرر می‌سازد اما جرایم خشن و رفتارهای خشونت آمیز در این میان جایگاهی ویژه دارند

تعهد برای پیشگیری از خشونت و وقوع جرم و جنایت با توجه به علل ریشه آن می‌باشد.

در سطح و اولویت اول امنیت اجتماعی، می‌توان از امنیت وجودی و هستی‌شناسانه گروه‌ها، جماعت‌ها، اقلیت‌ها و ... سخن گفت. به عبارت دیگر گروه‌ها، اعضا و رهبران آنها از یک سو و مراکز و تاسیسات آنها از سوی دیگر، نیازمند نوعی امنیت هستند. این نوع از امنیت هنگامی وجود خواهد داشت که وجود گروه‌ها و جماعت‌ها با تهدیدات جدی چالش‌انگیز در حوزه هستی‌شناسی روبه‌رو نگردد. به عبارت دیگر، نباید این تهدیدات در آن سطح از فعالیت باشند که گروه‌ها و جماعت‌ها در یک برهه زمانی معین، وجود خود را با مخاطره روبه‌رو ببینند. یکی از عواملی اساسی که می‌تواند امنیت هستی‌شناسانه گروه‌ها و جوامع را تأمین نماید این است که دولت و افراد جامعه پایبند به اصول اخلاقی باشند. بدون رشد اخلاقی هرگز مردمی که در یک اجتماع زندگی می‌کنند نمی‌توانند وجود یکدیگر را تحمل کنند و نقاط برخورد روحیات گوناگون و اختلاف نظر را به طرز شایسته‌ای حل کنند. در اخلاق شهروندی به قرائت‌های گوناگون و مختلف فرهنگ‌های اجتماعی و فرهنگی توجه می‌شود که این امر خود به نوعی به تکثر فرهنگی در جامعه شهری کمک می‌کند. تمام افراد در نظام شهروندی دارای حقوق و احترام، همچنین دارای مسئولیت متقابل نسبت به یکدیگر هستند که رعایت آن یک التزام و عامل حفظ منزلت آنان است. پس گفته می‌شود که هویت شهروندی از این منظر شامل این عناصر هستند: چندفرهنگ‌گرایی، تحمل و مدارا با خرده فرهنگ‌ها، پذیرش سبک‌های مختلف زندگی، اعتقاد به اصول مدرن در اداره جامعه از جمله دموکراسی و احترام به حقوق اقلیت‌ها. این امر یعنی اخلاق شهروندی زمینه تفاهم انسانی را فراهم می‌کند. تفاهم انسانی، گذشتن بر فراز خود میان بینی در مسیر وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته و تعهد تعمیم‌یافته گشوده و عام است. (۱۴). آسیب امنیت عمومی از منظر اخلاق زمانی حادث می‌شود که مجرم (بزهکار) با توجیه اخلاقی و منطقی عمل خلاف، وجدان خود را به منظور دوری از احساس شرم راضی نماید. همانطور که گفته شد در تحقق حس شرم، خود فرد است که با آگاهی از چنین وضعیتی به داوری در رابطه با خویش پرداخته، به طرد یا قبول رفتار خویش اقدام می‌کند. پس اگر کسی، با استدلال و منطق خود را راضی به عمل خلاف کرده و در نهایت احساس شرم نداشته باشد، با مهیا بودن سایر شرایط، مرتکب جرم و جنایت می‌شود. بنابراین اگر در یک جامعه تعداد بسیار زیادی از بزهکاران مرتکب جرم و جنایتی شوند و در این خصوص احساس شرم نکرده و به نوعی وجدان خود را راضی نگه دارند، از منظر اخلاقی، وضعیت امنیت عمومی جامعه دچار آسیب شده است.

در خصوص امنیت اجتماعی، از منظر اخلاق، آسیب این قسم از امنیت در صورتی به وقوع می‌پیوندد که رفتار فضیلت‌گونه در بین اعضای جامعه (شهروندان) وجود نداشته باشد به نحوی که بی‌اخلاقی در رفتارهای ضد اخلاقی چون عدم تحمل و مدارا با خرده فرهنگ‌ها، عدم پذیرش سبک‌های مختلف زندگی و یا حتی عدم احترام به حقوق اقلیت‌ها خود را نشان می‌دهد. آسیب دیگر امنیت اجتماعی از منظر

اینکه عمل مورد نظر تا چه حد اشتباه تلقی می شود، و احساسات اخلاقی، یعنی اینکه فرد تا چه حد به قانون اخلاقی اهمیت می دهد، بستگی دارد. به نظر می رسد احساسات با کمک به دیدگاه کلی اخلاقی، نقش مکمل دارند. به عنوان مثال، همدلی، فرض می شود که مقدم بر احساس شرم و گناه است و آن را تسهیل می کند. مشخص شده است که همدلی با عملکرد پایین با شرم و گناه با عملکرد پایین بعدی مرتبط است که نقش اصلی را در تصمیم گیری در مورد جرم ایفا می کنند. مکانیسم پیشنهادی این است که برای احساس بد نسبت به خود (گناه) یا در حضور ملاحظه دیگران (شرم)، ابتدا نیاز است توانایی در نظر گرفتن اینکه دیگران (از جمله قربانیان جرم) چگونه ممکن است عمل قانون شکنانه فرد را احساس کنند یا تحت تأثیر قرار گیرند، در فرد ایجاد شود بنابراین آموزش همدلی در مدارس می تواند بسیار کمک کننده باشد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1- Violence	خشونت
2- Social deviance	انحراف اجتماعی
3- Violent crimes	جرایم خشن
4- Ethical factors	مولفه های اخلاقی
5- Social factors	مولفه های اجتماعی
6- Social Security	امنیت اجتماعی
7- Behavioral violence	خشونت رفتاری
8- Crime	جرم
9- Misdemeanor	بزه
10-Cultural violence	خشونت های فرهنگی
11-Economic violence	خشونت های اقتصادی
12-Political violence	خشونت سیاسی
13-Systematic violence	خشونت سیستماتیک
14-Physical violence	خشونت بدنی
15-Ethical right	قانون اخلاقی

References

- Giddens A. Modernity and self - Identity: Self and society in the late modern age. Translated by Movafaghian N. 9th ed. Iran/Tehran: Ney Publication. 2014.
- Zareh A, Jafarzadeh S, Idrisi F. Ethical lifestyle and prevention of social crimes. Ethics in Science and Technology 2025; 19 (4): 100-107. Doi: [10.22034/ethicsjournal.19.4.13](https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.4.13)

زیرا ارتکاب به رفتارهای خشونت آمیز موجب خشن شدن سیمای کلی جامعه می شود و با ایجاد هراس اجتماعی احساس امنیت را در بین مردم کاهش می دهد. رفتارهای خشونت آمیز اثرات سوء زیادی بر زندگی جوانان نیز دارد. اگر چه خود پرخاشگری معلول عوامل متعددی در جامعه است اما وجود روحیه پرخاشگری و خشونت در یک جامعه می تواند فرایندهای جرم خیز و بزهکار را تقویت نماید. این وضعیت گرایش به بزه و جرایم خشن را افزایش می دهد زیرا در این گونه شرایط با کاهش مدارای اجتماعی و تفاهم انسانی احتمال ضرب و جرح و خشونت در سطح کلامی و رفتاری افزایش پیدا می کند و این شرایط علاوه بر تاثیر بازآموزی منجر به شکل گیری هویت خشن و خشونت گرایی در جامعه می شود. گسترش آسیب های اجتماعی از جوانب بسیاری به جوامع آسیب و زیان می رساند، خصوصا زمانی که جوانان را در بر گرفته باشد.

در ارتباط با نقش مولفه های اخلاقی در بروز جرایم خشونت آمیز نتایج مطالعه حاضر نشان داد هرچه قوانین اخلاقی، شرم و گناه قوی تر باشند، احتمال کمتری وجود دارد که فرد درگیر فساد، دزدی و خشونت شود. قوانین اخلاقی بالاتر، شرم و گناه با احتمال کمتر مشارکت در جرم مرتبط هستند.

در رابطه با آسیب امنیت اجتماعی نیز باید گفت این آسیب زمانی حادث می شود که در یک جامعه تعداد بسیار زیادی از بزهکاران مرتکب جرم و جنایتی شوند و در این خصوص احساس شرم نکرده و به نوعی وجدان خود را راضی نگه دارند، از منظر اخلاقی، وضعیت امنیت اجتماعی جامعه دچار آسیب شده است.

نکته مهم این است که هرگونه کار کاهش جرم باید همراه با درک بهتر از چگونگی همسویی اخلاق فردی با هنجارهای اخلاقی جامعه، جوامع و دولت انجام شود و توجه ویژه ای به زمینه های منحصر به فردی مانند اوکراین شود. بر این اساس پیشنهاد می شود:

با هدف قرار دادن جوانان در سال های شکل گیری نوجوانی ممکن است با افزایش اخلاق و کاهش جرم، که با هنجارهای اخلاقی همسو با قانون مشخص می شود و حکم می کند که جرم عملی قابل قبول نیست، یک تغییر اجتماعی را تسهیل کند

یک فرایند تصمیم گیری که شامل یک «فیلتر اخلاقی» است، در نهایت به فرد کمک می کند تا گزینه های عملی موجود را درک کرده و یکی را انتخاب کند. اینکه آیا عمل جرم ابتدا درک می شود و سپس به عنوان یک انتخاب عملی انتخاب می شود، به ورودی های قوانین اخلاقی، یعنی

- Abbazadeh M, Moghtadaei L. The sociological study of social capital impact on knowledge creation. Iranian Journal of Sociology, 2009; 10(1): 3-28. (In Persian). Doi: [20.1001.1.17351901.1388.10.1.1.3](https://doi.org/10.1001.1.17351901.1388.10.1.1.3)
- Bitaneh M, Zonooz M, Mashhadi E. Ethics in International Conflict: The Nature and Effects of Humanitarian Rights on Women and Children. Ethics in Science and Technology 2023; 17 (4): 9-16. (In Persian). Doi: [20.1001.1.22517634.1401.17.4.2.8](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.4.2.8)

5. Parsa M, Parsa Z. Economic challenges and their impact on committing violent crimes. Qanun Yar. 2019; 4(16):711-725. (In Persian).
6. Azazi S. Family violence, social violence. Proceedings of the National Conference on Social Harms in Iran. Iran/Tehran: Agah Publications. 2004.
7. Parfitt A. Responses to violence. Translated by Mohseni M. 1st ed. Tehran: Ganje Danesh Publication. 1999.
8. Wikström POH. Situational action theory: A general, dynamic and mechanism-based theory of crime and its causes. In Handbook on crime and deviance. Springer. 2019.
9. Trivedi-Bateman N. The combined roles of moral emotion and moral rules in explaining acts of violence using a situational action theory perspective. Journal of Interpersonal Violence, 2021; 36(17-18): 8715–8740. Doi: <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/0886260519852634>
10. Wikström P O H, Treiber K H. Violence as situational action. International Journal of Conflict and Violence (IJCIV), 2009; 3(1): 75–96. Doi: <https://doi.org/10.4119/ijcv-2794>
11. Agnew R. (2014). Social Concern and Crime: Moving Beyond the Assumption of Simple Self-Interest. Criminology, 2014; 52(1): 1–32. Doi: <https://doi.org/10.1111/1745-9125.12031>
12. Braithwaite J. Crime, shame, and reintegration. UK: Cambridge University Press.1989
13. Cohen A. Delinquent boys: The culture of the gang. The Free Press.1955.
14. Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. The role of social ethic on societal and public security. Ethics in Science and Technology 2016; 11 (1) :11-18. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1395.11.1.2.0](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1395.11.1.2.0)
15. Paidarfard A, Bashiri Q, Rayejian Asli M. The criminological approach to violent crimes based on aggression and preventive measures against them. Judgment, 2022; 22(109): 75-94. (In Persian).
16. Sabooripour M, Hajivand A. Controlling of environmental violence from the perspective deterrence theory. Journal of Legal Research, 2020; 19(43): 7-28. doi: [10.48300/jlr.2020.114173](https://doi.org/10.48300/jlr.2020.114173)
17. Gholami A, Rahimi M M. Influence of repressive criminal policy on the rate of commission of crimes and a cursory look at the criminal policy of Islam. The Journal of Islamic Law Research, 2010; 10(2): 159-189. doi: [10.30497/law.2012.1253](https://doi.org/10.30497/law.2012.1253)
18. Rajabi E. Police criminal policy in controlling violent crime and violent criminals. Karagah, 2022; 16(58): 149-173. doi: <https://doi.org/10.22034/det.2022.205158.1132> .